

تحلیل و بازخوانی چهار سند از دوره نهضت جنگل (مشهدی علیشاه چومثقالی، سرکمیسر جنگ نهضت)

فریدون شایسته

مقدمه:

مشهدی علیشاه چومثقالی (هوشنگی) یکی از نام‌آوران دوره نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک جنگلی است. در کتاب سردار جنگل اثر ابراهیم فخرائی، در شش مورد از وی سخن به میان آمده و سه عکس هم از او در کنار سران آن نهضت به چاپ رسیده است.^۱ فخرائی از او به عنوان یکی از اولین افراد تشکیل دهنده نهضت جنگل نام می‌برد. او یکی از اعضای مؤثر در ترکیب بیست و هفت نفره هیئت اتحاد اسلام به شمار می‌رود که به عنوان رئیس کمیسیون جنگ که در کسما تشکیل شده بود، به امور جنگی رسیدگی می‌کرد. یکی از مهم‌ترین اقدامات وی را می‌توان سرکوبی حاجی اسماعیل سرابی دانست که همواره نهضت جنگل را مورد تهدید قرار می‌داد. در منابع دوره نهضت جنگل به استثنای ابراهیم فخرائی، دیگران از وی به نام علیشاه قزاق تهرانی یاد کرده‌اند و اشتباهی را که مرتکب شده‌اند، این است که مشهدی علیشاه در یکی از صحنه‌های نبرد به دست نیروهای دولت مرکزی از پای درآمده است.^۲ در حالی که می‌توان بیان داشت وی تا سال ۱۳۱۲ خورشیدی در قید حیات بوده است. منوچهر هدایتی خوشکلام در تحشیه‌ای که بر کتاب یادداشت‌های احمد کسمایی از نهضت جنگل نوشته است، یادآور

۱. فخرائی، ابراهیم، سردار جنگل، تهران، جاویدان، ۱۳۵۴، ص ۵۴، ۹۵، ۹۷، ۱۰۱، ۱۱۵ و ۱۴۵.

۲. رائین، اسماعیل، قیام جنگل، تهران، جاویدان، ۱۳۵۷، مقدمه، ص ۲۷-۲۸ و گیلک، محمدعلی، تاریخ انقلاب جنگل، رشت، گیلکان، ۱۳۷۱، ص ۳۴.

می‌گردد که متأسفانه از احوال و زندگانی این مجاهد دلیر، آگاهی آن‌چنانی در دست نیست؛ فقط می‌دانیم که در اسفند ۱۳۱۲ خورشیدی در قریه چومثقال، از توابع شهرستان صومعه سرا، دارفانی را بدرود گفت؛^۱ یعقوب هوشنگی یکی از فرزندان او که در سال ۱۳۰۸ خورشیدی به دنیا آمده بود، مرگ پدر را در دوره چهار سالگی عنوان کرده است.^۲

بدین ترتیب می‌توان گفت که نوشته‌های پیشین درباره مشهدی علیشاه چومثقالی به دور از واقعیت است. اسنادی که در این مقاله مورد بازخوانی و تحلیل قرار می‌گیرد، از سوی نوه آن مرحوم، آقای کریم هوشنگی، به دست بنده رسیده است که از نام‌برده صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم.

این اسناد شامل دو بخش است: ۱- اسناد مربوط به دوران فعالیت او در دوران نهضت جنگل؛ ۲- اسناد مربوط به انتصاب وی به عنوان نایب‌الحکومه شفت، پس از خاتمه نهضت جنگل.

بدیهی است اسناد بخش اول، گویای این واقعیت و مؤید آن است که مشهدی علیشاه چومثقالی، با وجود نوشته‌های اسماعیل رائین و محمد علی گلیک، چندین سال حتی پس از خاتمه دوره نهضت جنگل، در قید حیات بوده است.

در این مقاله تنها به بازخوانی و تحلیل چهار سند که مربوط به دوران فعالیت او در نهضت جنگل است، می‌پردازیم:

۱- سند شماره ۸۸ که در تاریخ عصر ۲۱ ماه رمضان سال ۱۳۳۶ خطاب به مشهدی علیشاه نوشته شده است. این نامه از سوی هیئت اتحاد اسلام به نگارش درآمده. نکات قابل توجه در این سند عبارتند از:

الف - به جای واژه شماره، از واژه نمره در ذیل نام هیئت اتحاد اسلام استفاده شده است .

ب - در سمت چپ سند، واژه‌ها و عناوینی چون تاریخ و ضمیمه درج شده است .

پ - برخلاف دیدگاه برخی از نویسندگان و مورخان دوره پهلوی، باید گفت میرزا کوچک و نهضت جنگل هیچ‌گاه به تجزیه گیلان نمی‌اندیشیدند، زیرا نشان شیر و خورشید و نام آخرین شاه قاجار که با صیغه دعائی در پایین نشان درج شده، گویای این واقعیت است. در این سند آمده است:

آقای آقا مشهدی علیشاه:

مکتوب مورخه بیستم شهر (ماه) جاری و اصل قرائت شد. شرح مصادمه روز نوزدهم را نوشته و نتیجه آن را اطلاع داده بودید و یک دفعه حالت حزن و (؟) بر وجود بنده مستولی گردید. خداوند ان‌شاءالله شهداء را غریق رحمت فرموده و شما را همان مؤید و منصور بدارد.

از گزارشات اینجا اینکه پس از مصادمه اول احمدگوراب، از توابع شهرستان رشت، واقعه مهمی رخ نداده،

۱. هدایتی خوشکلام، منوچهر، یادداشت‌های احمد کسمایی از نهضت جنگل، رشت، کتیبه گیل، ۱۳۸۳، ص ۱۶۴.

۲. مصاحبه نگارنده با وی، ۱۳۸۳ در منزل مسکونی اش در شهرستان شفت.

تحلیل و بازخوانی چهار سند از دوره نهضت جنگل... / فریدون شایسته

مگر اینکه دیشب ساعت شش از شب گذشته، پیش قراول دشمن با پیش قراول ما تصادف نموده، پس از زد و خورد جزئی، دشمن پس از دادن سه مقتول فرار کرد. بیش از این چیزی قابل عرض نیست. اشیائی که از آقا سید ابوالقاسم خواسته بودید، تهیه شده، ارسال شد. از ایشان مطالبه نمائید. از ابهامات موجود در این سند آن است که محل اقامت مشهدی علیشاه یا محل صدور سند مشخص نشده است و نمی‌توان دریافت که واژه دشمن به چه گروهی اطلاق می‌شود، زیرا درگیری و مبارزه جنگلی‌ها با عمال دولت‌های خارجی، عوامل طیف چپ مارکسیست و نیروهای محلی قوای دولت مرکزی محرز می‌باشد.

۲- سند شماره ۲ که دارای نمره ۴۹۳ و به تاریخ ۱۵ ماه صفر سال ۱۳۳۶ نگارش یافته شده است. در پایین این نامه مهر هیئت اتحاد اسلام گیلان وجود دارد:

هم مسلک محترم جناب آقای مشهدی علیشاه - دام اقباله - :

از برای اخذ اعانه در حدود شفت به موجب ثبت علی‌حدها، مأمورید به نقطه مأموریت رفته، عایدات و بدهی‌های رعایای مالکین آنجا را وصول نموده، بر طبق دستوری که شفاهاً به جناب عالی داده شده است، به زودی انجام مأموریت خود داده، پرداخت نمایید، همه روزه در اقدامات خودتان راپورت بدهید.

توضیح درباره محتوای سند:

در این نامه مشهدی علیشاه، مأمور وصول اعانه بوده است. گفتنی است بنا به پیشنهاد میرزا کوچک و دکتر حشمت که این امر مورد حمایت و تصویب هیئت اتحاد اسلام هم قرار گرفت، گرفتن عشریه از سال ۱۳۶۶ هـ ق در دستور کار نهضت جنگل قرار گرفته بود^۱ یا اینکه حاج احمد کسمائی مرد شماره ۲ نهضت جنگل در یادداشت‌های خود خاطر نشان ساخته است: «قرار شد تمام مالکین گیلان، از درآمد خود تومانی دو ریال به صورت اعانه به نهضت جنگل کمک کنند»^۲.

۳- سند شماره ۳ که دارای نمره ۲۱۷۳ و به تاریخ ۱۴ ماه ربیع الثانی همان سال خطاب به مشهدی علیشاه ارسال شده است :

هم مسلک محترم، جناب آقای مشهدی علیشاه هوشنگی - دام اقباله - :

مراسله مورخه ۱۳ شهر فوق اصل گردید. از مندرج آنکه مشعر بر شکایت علی کپک و حس نیت و گرفتن چند نفر اسیر عثمانی بود، مسبوق شدیم. سفارش کنید که اگر آنها اسیر داشته باشند، عجالاً متعرض

۱. میرابوالقاسمی، سیدمحمدتقی، دکتر حشمت و اندیشه اتحاد اسلام در جنبش جنگل، تهران، نشر ندا، ۱۳۷۸، ص ۴۷.

۲. هدایتی، خوشکلام، همان، ص ۹۲.

تحلیل و بازخوانی چهار سند از دوره نهضت جنگل.../ فریدون شایسته

نشوند و شاید در موقع خواهش دوستانه بشود آنها را استرداد نماییم. غرض آنکه رعایت نزاکت را هم مبذول دارید و اقدامات جناب‌عالی را در خصوص آقا شیخ جمال‌الدین مسبوق و ورقه رضایت نامه ایشان را ملاحظه نمودیم؛ ان‌شاءالله با نیت خالصانه خود در حفاظت اهالی شهر و امورات آنجا، نهایت جدیت نموده باشید. اقدامات صمیمانه جناب‌عالی در تاریخ روزگار، به یادگار بماند.

هیئت اتحاد اسلام گیلان

از مندرجات این نامه چنین برمی‌آید که مشهدی‌علیشاه، از یکی از بارانش به نام کپک به اتحاد اسلام شکایت کرده بود و همچنان از اسارت چند نفر از نیروهای حکومت عثمانی سخن به میان آورده بوده است. در این نامه مشخص نیست که عثمانی‌ها از عوامل چه گروهی بوده‌اند. ظاهراً باید آنها را از عوامل حکومت مرکزی به شمار آورد. مهم‌ترین نکته اخلاقی را که می‌توان از این نامه استخراج کرد، رعایت ملاطفت و مهربانی با اسیران جنگی است که بیانگر رأفت و منزلت عالی انسانی اعضای مجموعه هیئت اتحاد اسلام است.

۴- سند شماره ۴ که دارای نمره ۳۶۷۹ و به تاریخ ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۳۶ خطاب به مشهدی‌علیشاه ارسال شده است :

آقا مشهدی‌علیشاه - دام مجده - :

لازم است که بیست نفر قزاق و سی نفر از افراد کرگان‌رود را در تحت ریاست شخص کافه و بصیر نظر، با معیت سراسناری ایرانی، برحسب دستوری که به جناب آقا محمد اسماعیل، مدیر وجوهات داده و به جناب آقا کربلایی ابراهیم رئیس کمیسیون مالیه هم نوشته شد، به فوریت در این دو روزه اعزام دارید. هیئت اتحاد اسلام گیلان

آنچه که از مطالعه این نامه و نامه‌های پیشین بر می‌آید، این است که در مکاتبات آن دوره، بر طبق سنت دیوانی، از دعای صدرنامه (در مطلع) که در قدیم برای زندگان و مردگان معمول بود، استفاده می‌شده است، زیرا در جمله خطاییه از دو واژه «دام اقباله» و «دام مجده» استفاده شده است. در این نامه واژه سراسناری ایرانی، چنان مفهوم نیست. از ظاهر نامه چنین برمی‌آید که او سمت اداره آستارای گیلان را به عهده داشته است، اما در این نامه می‌توان به اسم دو تن از اعضای برجسته هیئت اتحاد اسلام اشاره کرد:

محمد اسماعیل مدیر کسمایی و کربلایی ابراهیم کسمایی (کبریت خان) که اولی از اقوام نزدیک و دومی برادر حاج احمد کسمایی بوده‌اند. بخش مهم سازمان جنگل، یعنی وجوهات و دارایی در اختیار آنان بوده و هر دو تن از بازرگانان بنام آن دوره به شمار می‌رفته‌اند. از رشته فعالیت محمد اسماعیل مدیر کسمایی در بازرگانی و تجارت اطلاعی حاصل نشده، ولی کربلایی ابراهیم تاجر پارچه بوده است.^۱

۱. مهرنوش، صادق، جنگل، جلد اول، رشت، چاپ مؤلف، ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵، ص ۵.

تحلیل و بازخوانی چهار سند از دوره نهضت جنگل... / فریدون شایسته



مشهدی علیشاه چومتقالی

[شماره ۱]



حکومت آباد لایم
۴۴
۱۳۳۵
۲۲ شهریور ۱۳۳۵
تاریخ

آه آن شهر علیت
کرمت برهمنه مینم شهرهای درجه و توان شده شرح مصداقته روزی در روح را داشته
از راه اطلاع داده بودید مستخدم قدم و یک فقره است حق و شرح بر وجود من که در
شماره اول به شهرهای اعم از رحمت خرد خرد و در تمام راهها که میسر شود
در این شهر است اما اینکه این از مصداق اولی اعم از اولی واقع شده است روح خوارده
است و در وقت نشانی از شهر است شهر خوار اولی در شهر با هم وارد شده
در این شهر از مردم خرد خرد و در شهر این از راهی که مقبول فرار کرد
این شهر است
این شهر از راهی که مقبول فرار کرد
این شهر است

پیام بهارستان / ۴۵، س ۴، ش ۱۶ / تابستان ۱۳۹۱





